

بررسی نقش ایرانیان در گسترش تفسیر و علوم قرآنی در عصر حضور



سید محمد اسماعیلی*

مقاله پژوهشی
10.22034/JKSL.2023.357881.1149

دریافت: ۱۴۰۱/۶/۳
پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

چکیده

در عصر حضور امامان علیهم‌السلام، اندیشمندان ایرانی تأثیر به‌سزایی در رشد علوم قرآنی و تفسیر داشته‌اند. تفاسیر ایرانیان با گذر زمان از لحاظ کمی و کیفی رشد چشم‌گیری داشته است. در ابتدا تفاسیر ایرانیان شامل برخی سوره‌ها و آیات قرآن کریم بود، اما با فاصله اندکی از عصر نزول، از قرن دوم به بعد، تفاسیر آنان تمام آیات قرآن کریم را در بر گرفت و از لحاظ کیفی رشد چشم‌گیری پیدا کرد. مآخذ و مستندات تفسیر ایرانیان به دو دسته متصل و منفصل تقسیم می‌شود. مستندات متصل عبارتند از: نکات ادبی، سیاق، ویژگی‌های مخاطب و موضوع سخن و مستندات منفصل عبارتند از: آیات، روایات، آرای صحابه، محاورات عرفی، معلومات عقلی، اشعار و آرای اهل کتاب.

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، تلاش‌های برخی از اندیشمندان شاخص ایرانی برای گسترش تفسیر و علوم قرآن در عصر حضور امامان معصوم علیهم‌السلام مورد بررسی قرار داده شده است. هدف این پژوهش اثبات این مدعاست که ایرانیان در گسترش تفسیر و علوم قرآن در صدر اسلام نقش به‌سزایی داشتند و این به دلیل عشق و علاقه آنان به قرآن است. پرسش اصلی پژوهش این است که ایرانیان در عصر حضور تا چه میزان در گسترش تفسیر و علوم قرآنی نقش داشته‌اند؟ با بررسی اجمالی می‌توان گفت ایرانیان در عصر حضور نقش چشم‌گیری در گسترش تفسیر و علوم قرآنی داشته‌اند و اندیشمندانی مانند: سلمان فارسی، ضحاک، مقاتل و علی بن ابراهیم قمی جزو پیشتازان این علوم به‌شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن، علوم قرآن، تمدن اسلامی، تمدن قرآنی، شیعیان ایران، عصر حضور.

*. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
esmaeili@quran.ac.ir

مقدمه

پس از ورود اسلام به ایران و استقبال ایرانیان در پذیرش اسلام، آنان به سرعت توانستند در علوم اسلامی گوناگونی مانند: حدیث، صرف، نحو، عروض، قرائت، کلام و... پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشند و در تفسیر و علوم قرآن نیز از پیشتازان این عرصه محسوب شوند. اولین ایرانی که وارد عرصه معارف قرآنی شد سلمان فارسی است که پس از شرفیابی به محضر پیامبر اکرم ﷺ سوره حمد و آیات دیگری را به فارسی ترجمه کرد، سپس قرآن‌پژوهان دیگری مانند میثم تمار، ضحاک و... در محضر اهل بیت ﷺ کسب فیض نمودند. در عصر غیبت، مفسران بزرگی از میان ایرانیان برخاسته‌اند و آثار گران‌بهای را در تفسیر از خود به یادگار گذاشته‌اند. تفسیر ایرانیان در عصر حضور از لحاظ کمی و کیفی رو به گسترش نهاد و روز به روز کامل‌تر و جامع‌تر گردید.

اهمیت پرداختن به این موضوع، پاسخگویی به شبهه مسلمان شدن اجباری ایرانیان در صدر اسلام است که ایرانیان با زور شمشیر مسلمان شدند! در حالی که این سخن خلاف واقع است و ایرانیان با علاقه و اشتیاق به استقبال اسلام رفتند، زیرا آن را دینی عقلانی و مطابق با فطرت یافتند و همین اشتیاق و علاقه موجب شد، به سرعت جذب آموزه‌های قرآن کریم شوند و با بهره‌گیری از محضر رسول اعظم ﷺ و امامان معصوم ﷺ در علوم قرآنی و تفسیر قرآن کریم، جزو سرآمدان این علوم به شمار آیند و در گسترش معارف قرآن کریم نقش بسیار مؤثری ایفا کنند.

در زمینه فعالیت‌های قرآنی ایرانیان تحقیقاتی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: قیس آل قیس (۱۹۸۴) در کتاب خود با عنوان «الإیرانیون و الأدب العربی» به شرح حال و بیان آثار تعدادی از عالمان ایرانی می‌پردازد که البته محدود به عصر حضور معصومان ﷺ نیست. محمود رامیار (۱۳۴۶) در کتاب «تاریخ قرآن»، به نقش ایرانیان در علوم قرآنی، بسیار مختصر اشاره کرده است. شهید مطهری (۱۴۰۰) در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» به نقش ایرانیان در گسترش تفسیر و علوم قرآنی اشاراتی دارد. مجموعه‌ی ۴۰ جلدی «ایرانیان و قرآن» توسط موسسه خانه کتاب جمع‌آوری شده و در آن تلاش ۱۵ قرن ایرانیان در پیرامون قرآن گزارش داده شده است. مهدی یار احمدی و محمد زمان خدایی (۱۳۹۰) در مقاله «نگاهی به جایگاه ایرانیان در علم قرائت، تفسیر و حدیث» به پیشرفت‌ها و دستاوردهای ایرانیان در علوم قرائت، تفسیر و حدیث پرداخته‌اند و به فعالیت‌های ایرانیان



در عصر حضور اشاره بسیار اندکی دارند. سید جعفر سجادی (۱۳۵۳) در مقاله «سهم ایران در پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن اسلامی» در سلسله مقالاتی که در *مجله معارف اسلامی* چاپ شده است، اشاراتی به تأثیر ایرانیان در پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن اسلامی دارد. در این مقالات بیشتر به نقش ایرانیان در علوم منطق، فلسفه و حکمت یونانی پرداخته شده و به فعالیت‌های قرآنی ایرانیان در عصر حضور نپرداخته است. عنایت الله فاتحی نژاد (۱۳۸۵) در مقاله «علم قرائت و حدیث میان ایرانیان در سده‌های نخست» به قاریان ایرانی تبار و محدثان معروف، در سده‌های ۲ تا ۴ ق پرداخته است. جواد سلماسی زاده (۱۳۵۷) در مقاله «مفسران ایرانی و تفسیرهای فارسی» تنها به معرفی طبری و تفسیر وی پرداخته است. هدف این پژوهش آن است که با بیان تطورات تفسیر ایرانیان در عصر حضور و معرفی برخی از فعالیت‌های قرآنی اندیشمندان ایرانی در این عصر، اثبات نماید ایرانیان تا چه میزان در گسترش تفسیر و علوم قرآن، در عصر حضور معصومان علیهم‌السلام نقش داشته‌اند. در پژوهش پیش رو پس از بیان تطورات تفسیر ایرانیان به گسترش کمی و کیفی تفسیر، به مستندات تفسیری ایرانیان اشاره می‌شود که عبارت است از مستندات متصل، مانند: سیاق و مستندات منفصل مانند: آیات، روایات، آرای صحابه و نیز بر اساس ترتیب زمان معصومان علیهم‌السلام، مفسران ایرانی به اجمال معرفی و به ویژگی‌های تفسیری آنان اشاره می‌شود.

مفهوم عصر حضور

عصر در لغت به معنای روزگار و زمان (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۹۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۰)؛ فشردن و آخر روز به کار رفته است (قرشی، ۱۳۶۴، ۵: ۵). حضور، جمع «حضر» ضدّ غائب شدن (قرشی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۵۱) و به معنای حاضر شدن و بودن در جایی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۷۳). در این پژوهش مراد از «عصر حضور»، دوران امامان معصوم علیهم‌السلام است. در زمان حضور معصومان علیهم‌السلام ایرانیان فعالیت‌های قرآنی چشم‌گیری داشته‌اند و توانسته‌اند در نشر معارف قرآن کریم تأثیر به‌سزایی داشته باشند. برخی از ایرانیان در عرصه تفسیر، علوم قرآنی، ترجمه، قرائت و تجوید قرآن فعالیت داشته‌اند که در این تحقیق تلاش می‌شود این فعالیت‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

تطورات تفسیر ایرانیان در عصر حضور

ایرانیان از همان آغاز نزول توجه ویژه‌ای به قرآن پیدا کردند و افرادی مانند سلمان

فارسی، ضحاک و میثم تمار پیشگام در این عرصه بودند. تفاسیر ایرانیان با گذر زمان از لحاظ کمی و کیفی رشد چشم‌گیری داشت که به اختصار به آن اشاره می‌شود.

گسترش کمی تفسیر

در ابتدا حجم تفاسیر ایرانیان بسیار اندک و به صورت نقل روایات از معصومان علیهم‌السلام و یا بیان معانی برخی کلمات بود، از این جهت تفسیر آنان تمام قرآن را شامل نمی‌شد. به عنوان نمونه: ضحاک در ذیل آیه: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً» (توبه: ۸) می‌نویسد: «الّا» به معنای قرابت و خویشاوندی است (رازی، ۱۳۷۶، ج: ۹، ۱۸۰). یا آنکه میثم تمار تأویل و تفسیر آیاتی را که از امام علی علیه‌السلام آموخته بود برای ابن عباس بیان می‌کرد و ابن عباس آن را می‌نوشت (بابایی، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۶). اما با فاصله اندکی از عصر نزول، حجم تفسیر ایرانیان بیشتر شد، به گونه‌ای که از قرن دوم به بعد تمام آیات قرآن کریم را تفسیر کردند. در بین تفسیرهایی که به ما رسیده، تفسیر مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق.) را به عنوان قدیمی‌ترین تفسیر کامل معرفی کرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۲۸). این تفسیر آمیزه‌ای از تفسیر لغوی، نقلی، عقلی و اجتهادی است که جنبه لغوی آن از اهمیت بیشتری برخوردار است، در این تفسیر به مباحث علوم قرآنی، مانند بحث مکی و مدنی بودن، ناسخ و منسوخ، قرائات، محکم و متشابه، حروف مقطعه، سبب نزول و نیز مباحث کلامی مربوط به صفات خدا و عصمت انبیا، آمده است؛ همچنین برخی از محققان معتقدند فراء نیز تمام قرآن را تفسیر کرده است. این کتاب جامع‌ترین کتاب در نکات ادبی قرآن: لغت، نحو و بلاغت قرآن است (معرفت، ۱۴۱۸، ۲: ۳۲۳-۳۲۵). تفسیر قمی نیز تفسیر همه قرآن است. در این تفسیر روایی، گاهی معانی مختلف واژه‌ها ذکر شده و از آیات دیگر و اشعار شاعران در تفسیر یک آیه استفاده شده است (قمی، ۱۳۶۳، ج: ۱، ۴۶، ۱۳۲؛ ج: ۲، ۸۵-۸۷).

گسترش کیفی تفسیر

با بررسی اجمالی در میان تفاسیر ایرانیان در زمان حضور امامان علیهم‌السلام روشن می‌شود در آغاز، تفسیر آنان بیشتر به صورت نقل روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر معصومان علیهم‌السلام و نیز بیان معانی برخی واژه‌ها و کلمات دشوار بود، سپس با مرور زمان با توجه به ارتباط گسترده‌تر ایرانیان با سایر مذاهب و ادیان و آشنا شدن با اندیشه‌های مختلف، تفسیر ایرانیان غنی‌تر شد و به مباحث مختلف کلامی، عرفانی و اجتماعی نیز پرداخت. در



تفسیر مقاتل بن سلیمان علاوه بر مباحث لغوی و ادبی، به مباحث اعتقادی و کلامی نیز پرداخته شده است، هر چند وی از عهده بیان صحیح این مطالب بر نیامده است. وی در بحث حضور خداوند در قیامت، قائل به رؤیت خداوند شده است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱: ۵۹۸؛ ج ۲: ۲۳۶). و در بحث عصمت انبیا، قائل است که انبیا مرتکب گناه شده‌اند (همان، ۳: ۴۴؛ ج ۲: ۳۲۷-۳۲۸). وی در ذیل آیه ۱ و ۲ سوره فتح می‌نویسد: گناهان متقدم پیامبر در زمان جاهلیت و گناهان متأخر وی، گناهان بعد از نبوت است که خداوند آن‌ها را بخشید (همان، ج ۴: ۶۶). این اشکالات در تفاسیر بعدی مقداری اصلاح شد. تفسیر قمی که تفسیری روایی است، در برخی موارد به شرح واژگان، اسباب نزول، قصص قرآنی و آیات الاحکام پرداخته است. همچنین در این تفسیر به ردّ فرقه‌های باطل و نیز دفاع از مکتب امامت و ولایت و ذکر فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، پرداخته است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۰۵-۲۱۲ و ۲۳۶؛ ج ۲: ۶۰ و ۸۹ و ۳۹۸). هر چند در انتساب این تفسیر به علی بن ابراهیم قمی اختلاف است، برخی مانند نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۶۰) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۲) این انتساب را صحیح می‌دانند، ولی برخی مانند آقا بزرگ تهرانی (تهرانی، بی تا، ۴: ۳۰۲) و هاشم معروف حسینی (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۸۷) این انتساب را صحیح نمی‌دانند و بخشی از این تفسیر موجود را منتسب به ابی‌الجارود دانسته‌اند.

مآخذ و مستندات تفسیر ایرانیان در عصر حضور

با مطالعه آثار بجا مانده از مفسران ایرانی عصر حضور امامان علیهم‌السلام می‌توان مآخذ و مستندات تفسیر ایرانیان در آن دوران را معرفی کرد. این مستندات را می‌توان به دو دسته متصل و منفصل تقسیم کرد.

الف. مستندات متصل

مستندات متصل اموری هستند که همراه و همزمان با آیات‌اند و در عصر حضور معنای آیات با استناد به آن‌ها بیان می‌شده است، مانند: نکات ادبی آیات، فضای نزول، سیاق، ویژگی‌های مخاطب و ویژگی‌های موضوع سخن.

نکات ادبی

در تفاسیر موجود از ایرانیان، در موارد متعددی برای بیان تفسیر آیه به نکات ادبی توجه شده است. برخی مفسران ایرانی مانند ضحاک، فراء و مقاتل به سبب تبحر در لغت و نحو، توجه بیشتری به این مسئله در تفسیر داشته‌اند. فراء در تفسیرش به مباحث

کنایه، تشبیه، استعاره و مجاز پرداخته و در ذیل تفسیر نثرها و اشعار عربی را برای توضیح معانی آیات آورده است (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۱۶۴). در برخی موارد، برداشت‌های ادبی از طریق اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است. کلینی در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که ایشان در پاسخ به زراره در مورد کفایت مسح قسمتی از سر فرمود: از بای «**بِرُّؤُسْکُمْ**» در آیه ۶ مائده، این مطلب دانسته می‌شود (کلینی، ۱۴۳۱، ج ۳: ۳۰).

فضای نزول (سبب، شأن، زمان و مکان، فرهنگ زمانه)

در بسیاری از موارد مفسران ایرانی برای بیان معنا و مقصود آیات، به فضای نزول آیات (بحث از شأن، زمان و مکان نزول آیات و نیز فرهنگ مردم در زمان نزول آیات) پرداخته‌اند. در تفسیر آیه ۱۶۱ آل عمران، ضحاک می‌گوید: این آیه در مورد مردی است که سوزنی از غنایم جنگ هوازن برداشت؛ اما مقاتل می‌گوید: این آیه در شأن کسانی است که در جنگ احد جایگاه خود را بر فراز کوه ترک کردند و برای برداشتن غنیمت به پایین آمدند، که این آیات نازل شد و حکم غنایم را بیان کرد و آنان را مورد سرزنش قرار داد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۷۲).

علی بن ابراهیم قمی نیز شأن نزول بسیاری از آیات و سوره‌ها را ذکر می‌نماید. وی بر اساس روایات، شأن نزول سوره انسان را در مورد امام علی علیه‌السلام و خانواده ایشان دانسته است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۲۲-۴۲۳). همچنین گاهی برای تبیین آیات به فرهنگ زمانه توجه کرده است. وی در ذیل آیه ۳۷ سوره توبه می‌گوید: مردی از کنانه در موسم حج اعلام کرد: من جنگ با قبیله طی و خثعم را در محرم جلال کردم و به جای آن صفر را حرام اعلام می‌کنم، سپس اگر مردم آن را قبول می‌کردند این جایگزینی صورت می‌گرفت و این همان نسیء بود (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۹۰).

سیاق

گاه در قرآن کریم یک کلمه یا جمله برای معانی مختلف به کار می‌رود که مقصود و مراد از آن با کمک سیاق، یعنی ساختار کلمات و جملات قبل و بعد فهمیده می‌شود. مقاتل بن سلیمان ذیل آیه «**یدالله**» آورده است: از سیاق کلام روشن می‌شود منظور از ید، قوت و قدرت است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۵: ۹۱). یا مراد از کلمه «**کتاب**» در آیه ۲ سوره بقره قرآن کریم است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱: ۸۱) و در آیه ۲ سوره اسراء مراد از «**کتاب**» تورات است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۲: ۵۲۰).



ویژگی‌های مخاطب

یکی از نکاتی که مفسران ایرانی به آن توجه داشته‌اند، توجه به ویژگی‌های مخاطب آیات در بیان تفسیر است. گاهی نیاز است با توجه به مخاطب سخن، از معنای ظاهری آیه دست کشید و کلمه یا جمله‌ای در تقدیر گرفته شود و یا کلام به تأویل برود. در ذیل آیه ۲ سوره فتح: «لِيُعْزَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» که مخاطب آن پیامبر ﷺ است در تفسیر قمی با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام می‌گوید: پیامبر گناهی مرتکب نشده و اراده گناه هم نمی‌کند، بنابراین مراد، گناهان پیروان اوست که خداوند آن‌ها را می‌آمرزد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۱۴).

ویژگی‌های موضوع سخن

موضوع هر سخن دارای ویژگی‌هایی است که توجه به آن ویژگی‌ها در فهم سخن تأثیرگذار است. در قرآن کریم گاه در مورد خداوند سخن به میان آمده است، در آیه ۲۳ سوره قیامه آمده: «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»؛ به پروردگارش می‌نگرد. در تفسیر قمی آمده است: یعنی نظاره‌گر رحمت و نعمت الهی هستند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۹۷) بدان معنی که با توجه به اینکه خدای متعال جسم ندارد تا دیده شود، پس کلمه «رحمت» یا «نعمت» در تقدیر گرفته شده است.

مستندات مفصل

مستندات مفصل، مستنداتی است که جدای از آیه وجود دارد، مانند: آیات دیگر، روایات معصومان، آرای صحابه، محاورات عرفی، معلومات عقلی، استناد به اشعار و آرای اهل کتاب. آیات دیگر قرآن

مقاتل بن سلیمان در تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (حمد: ۷) با استناد به آیه ۵۸ سوره مریم: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ...»، نعمت داده شدگان را انبیا دانسته است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۶). علی بن ابراهیم قمی در بیان مراد از کلمه «آخره» در آیه: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» (یونس: ۶۴) می‌گوید: مقصود هنگام مرگ است به دلیل آیه: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۵) (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۷۹).

روایات معصومان

مفسران ایرانی گاه در بیان تفسیر آیات از روایات پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام استفاده کرده‌اند.

مقاتل بن سلیمان در تفسیر: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ» (مومنون: ۱۸) با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ می‌گوید: خداوند پنج نهر را از بهشت جاری کرد: سیحون، نهر هند، جیحون نهر بلخ، دجله و فرات نهر عراق و نیل نهر مصر که این‌ها از سرچشمه واحدی جاری شده‌اند و منافع مردم در آن‌ها قرار داده شده است و این معنای آیه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۰۲؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۸۰-۱۷۹). در تفاسیر روایی، روایات فراوانی از مفسران ایرانی نقل شده است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱: ۵۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۸۷؛ ج ۲: ۱۲۹). در تفسیر قمی نیز برای تفسیر آیات به روایات پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام، استناد شده است.

آرای صحابه

در تفاسیر ذکر شده از ایرانیان، استناد به آرای صحابه مانند: امام علی علیه‌السلام، ابن عباس، ابن مسعود و... فراوان به چشم می‌خورد. ضحاک از ابن عباس روایت کرده که وی درباره آیه «فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ» (بقره: ۵۹) گفته است: واژه «رجز» به معنای عذاب است و در آیه «فَدَبَّحُوهَا وَمَا كَاذُوا يَفْعَلُونَ» (بقره: ۷۱) می‌گوید: یعنی می‌خواستند انجام ندهند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۴۲ و ۲۸۱). در تفسیر فراء نیز با آنکه تفسیری ادبی است، در برخی موارد روایاتی از صحابه و تابعان نقل شده است (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

محاورات عرفی

توجه به استفاده از چارچوب‌های محاورات عرف عقلا در نقش کلمات در جمله و نیز آشنایی به قوانین و وضع چگونگی دلالت از ضروریات تفسیر است (سعیدی روشن، ۱۳۹۸: ۴۰۷). مانند آنکه قانون ارتکازی عقلا در محاورات آن است که اصل اولی در هر کلامی افاده معنای حقیقی است، مگر آن که قرینه‌ای گویا بر مجاز بودن کلام یا بر تخصیص یا تقدیر در کلام وجود داشته باشد (سعیدی روشن، ۱۳۹۸: ۲۹۶). مفسران ایرانی عصر حضور به این نکته توجه دارند و ظاهر قرآن را حجت و اصل اولی در مراد از آیات را معنای حقیقی می‌دانند، اما گاهی با قرائنی که وجود دارد فهمیده می‌شود قرآن کریم به کنایه سخن گفته و یا ضرب المثلی بیان داشته است. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه ۹۲ سوره نحل: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غُرْلُهَا...» می‌نویسد خدای تعالی مردم را امر به وفای به عهد و نهی از شکستن آن نموده است و برای تبیین این موضوع چنین مثلی را بیان کرده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۸۹).

معلومات عقلی

یکی از ویژگی‌های روش عقلا در محاورات این است که معلومات عقلی، بدیهیات و براهین قطعی آشکار را از قراین کلام می‌دانند و معنای کلام و مقصود گوینده را با توجه به آن به دست می‌آورند (بابایی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۰۸). قمی در معنای آیه «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ» (زخرف/۵۵) می‌گوید: واژه «آسفونا» در این آیه به معنای «عصونا» است، زیرا خداوند منزّه از آن است که مانند انسان‌ها تحت تأثیر واقع شود و عصبانی گردد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸۵).

استناد به اشعار

ایرانیان برای بیان معانی و مقاصد آیات، گاه به اشعار ادیبان عرب استناد می‌کنند. مفسرانی مانند ضحاک و اخفش که متخصص در ادبیات بودند در موارد متعددی به اشعار استناد نموده‌اند (عطوان، ۱۴۱۰: ۶۰) اخفش در بیان کاربرد «اثم» به جای خمر در زمان بعثت و پیش از آن به این شعر استناد می‌کند:

شربت الاثم حتی ضل عقلی کذاک الاثم یذهب بالعقول (معرفت، ۱۴۱۸، ج: ۱: ۴۸۲)

آرای اهل کتاب

مفسران ایرانی عصر حضور، گاه در برای تفسیر آیاتی از قرآن کریم بویژه در مورد داستان‌هایی که قرآن کریم به صورت کامل آن‌ها را بیان نکرده، به اهل کتاب مراجعه می‌کردند. برخی نیز با توجه به وحدت ادیان آسمانی به دنبال بیان مشترکات ادیان و توجه به آن‌ها در تفسیر آیات بودند. در مورد طاووس گفته شده: وی از آرای اهل کتاب نیز در تفسیر آیات بهره برده و تفسیری بر اساس وحدت ادیان ابراهیمی ارائه داده است (ابن ندیم، همان، ص ۱۶۰). در مورد مقاتل بن سلیمان نیز گفته‌اند: وی مطالبی از کتاب‌های یهود و نصارا در مورد تشبیه خدا به مخلوقات، بیان داشته است که روز قیامت خداوند پیامبر را زانو به زانو کنار خود می‌نشاند (الذهبی، ۲۰۰۹، ج: ۴: ۱۷۵).

مفسران ایرانی در عصر حضور پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام

در زمان حضور پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام اندیشمندان ایرانی متعددی حضور داشتند که با بهره‌مندی از وجود ایشان در موضوعات مختلف قرآنی فعالیت داشته‌اند که بر اساس اولویت‌بندی زمانی به ترتیب به برخی از مهم‌ترین افراد اشاره می‌شود.

عصر پیامبر ﷺ

سلمان فارسی(م۳۶ق.) نخستین ایرانی است که به اسلام گروید و نزد رسول خدا و مسلمانان مقام ارجمندی یافت (ابن هشام، بی تا، ۱: ۲۱۸؛ ج ۲، ص ۵۶۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۵۹-۶۰). وی نخستین مفسر ایرانی در میان صحابه پیامبر ﷺ است. پس از آغاز بعثت در سرزمین مکه، فاصله مکانی آن با ایران و تسلط حکومت ساسانی، مانع ارتباط سلمان با پیامبر ﷺ نشد (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۲۵۴). پیامبر ﷺ در مورد سلمان فرموده‌اند: سلمان از ما اهل بیت است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴: ۶۲). از اهل بیت ﷺ نیز در مدح وی سخنان فراوانی رسیده است (صدوق: ۳۶۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۱۳۳). مطابق برخی دیدگاه‌ها، آغاز ترجمه فارسی قرآن کریم به سلمان فارسی باز می‌گردد که وی با مشورت پیامبر ﷺ یا فرمان آن حضرت به این مهم اقدام کرد (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۸؛ سرخسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۷). وی «بسم الله الرحمن الرحیم» را «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه کرده بود (معرفت، ۱۳۸۲، ۱۹۶؛ رامیار، ۱۳۴۶: ۶۵۳). در برخی مصادر نیز عنوان شده که سلمان تنها سوره فاتحه را به پارسی ترجمه نموده است (زرقانی، ۱۹۴۳، ج ۲: ۵۵؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۵۴)، ولی برخی قائلند سلمان با اجازه از پیامبر ﷺ تمام آیات نازل شده را به فارسی ترجمه و تفسیر کرد و در پایان چنین نوشت: هذا القرآن الذي انزل علي محمد: این است قرآن که فرو فرستاده آمده است بر محمد صلی الله علیه و سلم (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸). علاوه بر این، مطالب تفسیری و روایی فراوانی در تفاسیر از وی ذکر شده است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴: ۹۶؛ ثمالی، ۱۴۲۰: ۳۲۲؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۷۷). در شأن نزول برخی آیات نیز نام سلمان آمده است: در آیه ۱۳۳ سوره نساء: «إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ...» بنا به نقل مفسران شیعه (طوسی، بی تا، ج ۳: ۳۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۸۷) و مفسران اهل سنت (ماوردی، بی تا، ج ۱: ۵۳۴؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۲۰)، پیامبر ﷺ هنگام نزول این آیه دست بر پشت سلمان زد و فرمود: آنان عجم و فارس، قوم سلمان هستند؛ همچنین گفته شده که پس از نزول آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا...» (جمعه: ۲) رسول خدا دست مبارکش را بر سلمان که در جمع حضور داشت، نهاد و فرمود: اگر ایمان در ثریا باشد، هر آینه مردانی از آنان (ایرانیان) بدان دست خواهند یافت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸: ۲۲؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۹۶-۹۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۱۵۲-۱۵۳).

تفسیر ایرانیان در عصر پیامبر ﷺ همانند سایر تفاسیر این دوران (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۷۳ و ۸۲) به صورت مختصر و تنها بخشی از آیات را شامل می‌شد و سرچشمه تفسیر تنها وحی بود.

عصر امام علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام

میثم تمار (م. ۶۰ ق.) از بردگان ایرانی بود که توسط امیر مؤمنان خریداری، آزاد و به شغل خرمافروشی مشغول شد (عسکری، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۲۵). او از شیعیان مخلص امام علی علیه السلام بود که در راه آن حضرت نیز به شهادت رسید (کشی، ۱۴۰۹: ۸۴). شیخ طوسی وی را از اصحاب امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام دانسته است (طوسی، ۱۳۴۸: ۹۶ و ۱۰۵). در تفاسیر از وی روایات تفسیری متعددی نقل شده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۰۷؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۸). میثم دارای کتاب تفسیر نیز بود که آن را از علی علیه السلام آموخته بود (تهرانی، بی تا، ج ۴: ۳۱۷). در روایتی آمده: هنگامی که میثم به عمره رفت، با ابن عباسی ملاقاتی داشت و به ابن عباس گفت: هر مطلبی درباره تفسیر قرآن می‌خواهد، از وی بی‌رسد؛ زیرا تأویل قرآن را از امام علی علیه السلام آموخته است. ابن عباس کاغذ و دواتی خواست و آنچه را که میثم املا کرد، نوشت (کشی، ۱۴۰۹: ۸۱). بر حسب نقل برخی روایات، پسران میثم، صالح و یعقوب گاهی سخنی از امام علی علیه السلام را به عنوان مطلبی که در کتاب پدر خود یافته‌اند نقل کرده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۶۴۴؛ ج ۴: ۲۳۴) که به نظر می‌رسد مراد همان تفسیر میثم است (بابایی، ۱۳۷۰: ۱۳۹۰). البته این تفسیر مفقود شده است. در تفسیر این دوران که با عصر صحابه همزمان بود، بیشتر به نکات ادبی و لغوی پرداخته می‌شد و تفسیر تمام آیات ارائه نشده است.

عصر امام سجاد علیه السلام

در منابع اسلامی نام سه نفر از مفسران ایرانی در بین شاگردان امام سجاد علیه السلام وجود دارد:

ضحاک

ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم خراسانی (م. ۱۰۵ ق.)، مفسری بزرگ است که مدرسه‌ای تفسیری با سه هزار شاگرد داشت، او دارای کتاب تفسیر بود (زرکلی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۱۵؛ ذهبی، بی تا، ج ۱: ۱۷۶). ضحاک از تابعان است و از انس، ابن عمر و ابوهریره روایت می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۲۴، ج ۹: ۲۲۳). ضحاک از اصحاب امام سجاد علیه السلام است (طوسی، ۱۳۴۸: ۹۴). قمی از او روایت کرده و او را تأیید می‌کند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۵۰). او در تفسیر، امام و پیشوا بود و ثوری در مورد او می‌گوید: تفسیر را از چهار نفر بیاموزید: مجاهد، عکرمه، سعید بن جبیر و ضحاک (همان). مطالب تفسیری فراوانی از وی در تفاسیر فریقین آمده است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۴۵۷؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۵۶۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶: ۱۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۷۱).

درباره شاگردی ضحاک نزد ابن عباس در دانش تفسیر، در منابع اختلاف نظر به چشم می‌خورد (مفید، ۱۴۱۳، ج: ۱؛ ۳۲۳، ۳۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱؛ ۶۲)؛ همچنین گفته شده که ضحاک در ری با سعید بن جبیر دیدار داشته و دانش تفسیر را از او آموخته است (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱؛ ۶۲). تفسیر ضحاک به دست ما نرسیده و از بین رفته است، ولی کتابی با عنوان «تفسیر الضحاک» در دو جلد و ۱۴۰۸ صفحه در قاهره چاپ و منتشر شده است که این کتاب رساله دکتری محمد شکری احمد زاویتی است. این کتاب از یک مقدمه و دو مبحث و یک خاتمه تشکیل شده است. گردآورنده ۳۰۲۸ سخن و دیدگاه تفسیری نقل شده از ضحاک را در کتاب‌های تفسیری اهل تسنن، مانند جامع البیان طبری، معالم التنزیل بغوی و الجامعه لاحکام القرآن قرطبی جمع آوری کرده است (بابایی، ۱۳۹۰، ج: ۱؛ ۲۹۸).

طاووس بن کیسان

طاووس بن کیسان (م. ۱۰۶ق.م) از مفسران تابعان است. کنیه وی ابا عبدالرحمن و اهل فارس، بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج: ۶؛ ۶۶). از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعان است که ۷۰ نفر از صحابه را درک کرده است (ابن جوزی، ۲۰۱۵، ج: ۷؛ ۱۱۵). زرکلی می‌گوید: طاووس بن کیسان در فارس متولد و در یمن بزرگ شد و در مزدلفه یا منی در حال اعمال حج از دنیا رفت (زرکلی، ۱۳۸۹، ج: ۳؛ ۲۲۴). گفته‌اند او چهل مرتبه به زیارت خانه خدا رفت و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند (ابن جوزی، ۲۰۱۵، ج: ۷؛ ۱۱۵). شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام ذکر کرده، زیرا وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است (طوسی، ۱۳۴۸؛ ۹۴). در تفاسیر از وی مطالب تفسیری و روایاتی از معصومان نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۲؛ ۴۹۴؛ رازی، ۱۴۰۸، ج: ۵؛ ۱۲۹؛ شهرستانی، ۱۳۸۶، ج: ۱؛ ۱۹۵)، همین نشانه‌ای از مفسر بودن وی است. آقا بزرگ تهرانی نیز از تفسیر طاووس بن کیسان خبر داده که بعد مفقود شده است (تهرانی، بی تا، ج: ۴؛ ۲۷۹). همچنین برخی او را از مفسران تابعی دانسته است (حاجی خلیفه، بی تا، ج: ۱؛ ۴۳۰؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج: ۱؛ ۳۴۳-۳۴۸؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ج: ۱؛ ۳۶۶؛ بابایی، ۱۳۹۰، ج: ۱؛ ۱۷۴-۱۷۵). طاووس تنها مفسر بزرگ قرآن در چهار قرن اول اسلام در یمن است (ابن ندیم، ۱۳۹۴؛ ۱۶۰). نام وی در بیش از ۵ هزار روایت آمده است (خویی، ۱۹۸۹، ج: ۵؛ ۲۴۵-۲۶۵).

عطاء بن ابی مسلم

عطاء بن ابی مسلم میسرۀ ابو ایوب خراسانی (م. ۱۳۸ق.م) که برخی تاریخ وفات او را سال ۱۳۸ق. (ذهبی، ۱۴۲۲، ج: ۱۳؛ ۱۵۹) و برخی سال ۱۳۳ق. (ذهبی، ۲۰۰۹، ج: ۳؛ ۷۳) دانسته‌اند.



وی از علوم امام سجاد علیه السلام بهره‌مند شده است. وی در توصیف امام سجاد علیه السلام گفته است: من در بین مسلمانان با کسی مثل او مجالست نکرده‌ام (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۱۹).
عطاء همچنین کتابی در ناسخ و منسوخ دارد که مورد استفاده متأخران قرار گرفته است (فؤاد سرگین، ۱۳۷۲، ج ۱: ۷۹-۷۸ و ابن حجر، بی‌تا، ج ۷: ۲۱۲). برخی روایات به واسطه عطاء از ابن عباس نقل شده است (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۲۸؛ الذهبی، ۲۰۰۹، ج ۳: ۷۳).
از ویژگی‌های تفسیر در این دوران که همزمان با عصر تابعین است، تفسیر همه قرآن، ورود برخی اسرائیلیات در تفسیر و پرداختن به مسائل کلامی در تفاسیر است.

عصر صادقین علیهم السلام

در عصر صادقین علیهم السلام نام شش نفر از اندیشمندان قرآنی ایران در میان شاگردان ایشان وجود دارد:

داوود بن ابی هند سرخسی

داوود بن ابی هند سرخسی (م. ۱۴۰ق). از موالی و اهل خراسان است (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۴۱۳) از آنجا که وی مدت زیادی در بصره بود، به وی لقب بصری نیز داده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۴۷؛ عجلی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۴۲). داوود از مفسران مشهور دوران خود است. او تفسیری معروف به تفسیر ابن ابی هند داشته که اثری از آن نمانده است (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۳۶)، هرچند مطالب تفسیری فراوانی از وی نقل شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۳۳۸). داوود از اصحاب امام محمد باقر علیه السلام است (طوسی، ۱۳۴۸: ۱۲۰). مامقانی اظهار می‌دارد وی باید امامی مذهب باشد که صاحب الذریعه به امامی بودن و تشیع او تصریح کرده است (تهرانی، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۰).

سلیمان بن مهران (م. ۱۴۸ق).

در میان مفسران مهم قرن دوم می‌توان به سلیمان بن مهران عماش اشاره کرد (حسینی، ۱۴۰۲: ۲۹). وی از بنی کاهل از شاخه‌های قبیله بنی اسد است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۳۳۳). او ایرانی تبار است و پدرش را اهل طبرستان (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۶۵۲) و یا دماوند (سمعی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۳۲) دانسته‌اند. سلیمان در سال ۶۱ هجری متولد و در سال ۱۴۷ یا ۱۴۸ از دنیا رفت (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۶۵۲). وی از اصحاب امام صادق علیه السلام است (طوسی، ۱۳۸۱: ۲۱۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۸۱؛ خویی، ۱۹۸۹، ج ۸: ۲۸۰-۲۸۱). او را از داناترین افراد به قرائت قرآن و حدیث در میان هم عصرانش دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۷؛ ج ۱۲: ۸۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۰۹). همچنین وی را داناترین فرد به احادیث عبدالله بن مسعود می‌دانند

(مزی، ۱۹۹۲، ج ۱۲: ۷۵). سلیمان قرائت را از شاگردان ابن مسعود آموخته، از این رو قرائت او را نزدیک به قرائت ابن مسعود دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶: ۷۹۹).

مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ ق.)

مقاتل بن سلیمان خراسانی مروزی، از مفسران قرن دوم است. در مذهب او اختلاف است. شیخ طوسی او را امامی و از اصحاب امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام به شمار می‌آورد (طوسی، ۱۳۴۸: ۱۴۶)، برخی از رجالیان نیز او را از اهل سنت دانسته‌اند (ابن داوود، ۱۴۲۲: ۵۲۰). وی دارای کتاب تفسیر به نام «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر مقاتل» است (مزی، ۱۹۹۲، ج ۱۸: ۲۲۸؛ حاجی خلیفه، بی تا، ج ۱: ۴۵۹). مقاتل کتاب‌های متعددی در مورد متشابهات قرآن، وجوه و نظایر، ناسخ و منسوخ، تفسیر الجوابات فی القرآن، همچنین نوادر التفسیر؛ تفسیر الخمسمائة آية من القرآن تألیف نموده است (ابن داوود، ۱۴۲۲: ۵۱۹؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۱۳۸، ۳۱۳؛ رجال، کشی، ص ۳۳۴؛ زرکلی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۲۸۱). شافعی درباره او می‌گوید: مردم در علم تفسیر به مقاتل نیازمندان. (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۴۱). اخیراً تفسیری با عنوان تفسیر مقاتل با تحقیق عبدالله محمود شحاته منتشر شده است که ادعا شده همان تفسیر مقاتل بن سلیمان است که شحاته آن را از نسخه‌های خطی متعدد در کتابخانه‌های مختلف جمع‌آوری کرده است (بابایی، ۱۳۹۰: ۳۱۹). در این تفسیر از روایات استفاده شده، ولی تفسیر روایی محض نیست (بابایی، ۱۳۹۰: ۳۲۱-۳۲۰).

علی بن حمزه کسائی (م ۱۸۵ یا ۱۸۹ ق)

کسائی از مفسران و قراء شیعه و علمای لغت و نحو بوده و اصالتاً ایرانی است (جزی دمشقی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۷۴). او را از اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته‌اند و چند تألیف تفسیری به وی نسبت داده شده است: ۱. تفسیر الهآت، یا هاء القرآن؛ ۲. القراءت؛ ۳. المتشابه فی القرآن؛ ۴. مقطوع القرآن و موصوله؛ ۵. تفسیر معانی القرآن (زرکلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۶۲-۱۶۴؛ ابن کثیر، ۱۴۲۴، ج ۱۱: ۲۰۱-۲۰۲).

حسین بن واقد مروزی (م ۱۶۰)

حسین بن واقد نخستین کسی است که در علم ناسخ و منسوخ کتاب نوشته است و نیز دارای کتاب تفسیر است. تفسیر وی به روایت از یزید نحوی از عکرمه است (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۳۷، ۲۸۴؛ عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۶).

ابراهیم بن طهمان خراسانی (ق ۱۶۰)

ابراهیم بن طهمان خراسانی مکنی به ابوسعید در هرات متولد گردید. سپس در نیشابور



سکونت نمود. پس از آن به بغداد رفت و از آنجا به مکه نقل مکان کرد تا آنکه در سال ۱۶۰ هجری در گذشت (ابن حبان، ۱۴۲۵: ۱۴۰). از آثار وی تفسیر قرآن مجید، سنن در فقه، کتاب العیدین و کتاب المناقب می‌باشد و مصنفات حدیث او را طاهر بن یحیی تلخیص کرده است (حاجی خلیفه، بی تا، ج ۵: ۵).

اصلی‌ترین شاخصه تفسیر ایرانیان در این دوران، به وجود آمدن روش‌های متنوع تفسیری، بیان تأویل، ذکر مصداق، اسباب نزول و شرح لغات آیات است.

عصر امام کاظم علیه السلام

در میان شاگردان قرآنی امام کاظم علیه السلام دو ایرانی وجود دارد:

فراء بن یحیی بن زیاد الاقطع دیلمی (م. ۱۸۳.ق)

فراء معاصر امام کاظم و امام رضا علیه السلام است (بابایی، ۱۳۹۰: ۳۴۰). وی دارای کتاب تفسیر کامل قرآن است. ابن خلکان، فراء را بزرگ‌ترین مفسر قرن دوم می‌داند (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۲۶-۲۲۷). وی شاگرد کسائی است (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۲۳). تفسیر فراء مشتمل بر نکات ادبی، لغت، نحو و بلاغت قرآن است. بدین جهت محققان و مفسرانی که در پی دست یافتن به نکات و ظرافت‌های قرآنند، به این کتاب روی آورده‌اند (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۲۵). شاید بتوان گفت اولین کسی که دامنه تفسیر را گسترش داد و در تفسیر دست به اجتهاد زد، فراء است (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۱۰).

هاشم جوالیقی (م. ۱۸۳ ق.)

هاشم فرزند سالم جوالیقی جوزجانی، از شیوخ شیعه در قرن دوم هجری و اعلام امامیه در علم کلام و تفسیر و از اصحاب امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیه السلام است. وی ایرانی‌تبار بوده و توثیق شده است (نجاشی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۹۹؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۳۲۹ و ۳۶۲؛ برقی، ۱۴۱۹: ۳۴ و ۴۸).

مهم‌ترین ویژگی تفسیر مفسران ایرانی در این دوران گسترش دامنه تفسیر و استفاده از روش اجتهادی است.

عصر امام رضا علیه السلام

پنج نفر از مفسران ایرانی در دوران امام رضا علیه السلام از محضر آن حضرت کسب تعلیم نموده‌اند:

ابو یعقوب اسماعیل (زنده در ۲۰۳ ق)

وی فرزند مهران بن ابی نصر زید سکونی کوفی از ثقات محدثین و مفسران ایرانی‌تبار شیعه و از اصحاب امام صادق و امام رضا علیهما السلام است (طوسی، ۱۳۴۸: ۱۴۸، ۳۶۸). در کتاب‌های روایی و تفسیری معتبر شیعه روایات بسیاری از او نقل کرده‌اند (عاملی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۳۵؛ تهرانی، بی تا، ج ۵: ۱۹).

یونس بن عبد الرحمن (م. ۲۰۸ ق)

وی از اصحاب خاص و مورد اعتماد امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام است (کشی، ۱۴۰۹: ۴۸۴). شخصی از امام رضا علیهما السلام پرسید: من همیشه نمی‌توانم شما را ملاقات کنم؛ مطالب دینی خود را از چه کسی بگیریم؟ حضرت فرمود: از یونس بن عبد الرحمن بگیر (کشی، ۱۴۰۹: ۴۸۳). نجاشی تألیفات زیادی را به او نسبت می‌دهد، از جمله کتاب تفسیر القرآن، کتاب فضل القرآن، و کتاب الامامه (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۱۱، ۳۱۲). روایات تفسیری فراوانی از وی نقل شده است (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۸۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۲، ۹۷؛ ج ۵: ۴۲۶). در رجال کشی نیز در توصیف یونس بن عبد الرحمن آمده: عبدالعزیز بن المهتدی گفته است: بهترین قمی که دیده‌ام یونس است و او وکیل امام رضا علیهما السلام است (کشی، ۱۴۰۹: ۴۸۳).

سعید بن منصور بلخی (م. ۲۲۷ ق.)

ابوعثمان سعید بن منصور بن شعبه مروزی خراسانی، از محدثان موثق اهل سنت و دارای کتاب «تفسیر القرآن» یا «التفسیر» است (حاج خلیفه، بی تا، ج ۱: ۴۴۹؛ فؤاد سزگین، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۵-۱۹۶).

ابوجعفر محمد بن اورمه قمی (زنده در ۲۴۷ ق.)

وی از اصحاب امام رضا علیهما السلام و متهم به غلو است که امام هادی نامه‌ای در تبرئه وی از غلو نگاشته است. ابوجعفر دارای تألیفات فراوان از جمله تفسیر القرآن است (خویی، ۱۹۸۹، ج ۱۵: ۱۱۵-۱۱۸؛ تهرانی، بی تا، ج ۴: ۲۴۱). نجاشی تفسیر القرآن را به محمد بن اورمه قمی نسبت داده است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۲۹-۳۳۰).

اخفش (م. ۲۱۵ ق.)

ابوالحسن سعید بن مسعده مجاشعی، معروف به اخفش اوسط، نحوی و ادیب بصری و ایرانی الاصل است (فاتحی نژاد، ۱۳۷۷، ج ۷: ۱۹۲). وی در دوران امام رضا و امام جواد علیهما السلام زندگی می‌کرد. اخفش دارای تفسیری به نام «معانی القرآن» است (حاج خلیفه، بی تا، ج ۱: ۱۵۸-۱۸۶؛ بغدادی، ۱۹۹۰، ج ۵: ۳۸۸). در مورد علت نگارش این تفسیر از اخفش نقل شده: کسانی از وی خواست کتابی را در معانی قرآن تألیف کند، سپس وی کتاب تفسیر



معانی القرآن را تألیف نمود (داوودی، بی تا، ج: ۱: ۱۸۵-۱۸۶). محتوای تفسیر معانی القرآن، بحث‌هایی ادبی در مورد کلمات قرآن است که به ترتیب سوه‌ها و آیات قرآن بیان شده است (بابایی، ۱۳۹۰: ۳۴۳).

مفسران در این دوران بیشتر از روش ادبی و کلامی در تفسیر آیات استفاده کرده‌اند.

عصر امام جواد علیه السلام

در بین اصحاب امام جواد علیه السلام سه ایرانی مفسر قرآن وجود دارد:

علی بن مهزیار اهوازی (م. ۲۵۴ ق.)

وی از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام و وکیل آنان است که دارای ۳۳ تألیف از جمله کتاب التفسیر است (خویی، ۱۹۸۹، ج ۱۲: ۱۹۹-۱۹۲؛ تهرانی، بی تا، ج ۴: ۲۴۸). نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۵۳) و آقا بزرگ تهرانی (تهرانی، بی تا، ج ۴: ۲۴۸، رقم ۱۱۹۵) و آیت الله خویی (خویی، ۱۹۸۹، ج ۱۲: ۱۹۲-۱۹۳) از جمله تألیفات وی را کتاب تفسیر دانسته‌اند. محمدبن خالد قمی برقی (م. ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق.)

محمد بن خالد از ائمه حدیث و تفسیر است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۳۵). شیخ طوسی او را از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام دانسته است (طوسی، ۱۳۴۸: ۳۸۶ و ۴۰۴). وی دارای کتاب تفسیر قرآن و کتاب التنزیل و التعبیر است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۲۰؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۳۶۸؛ کشی، ۱۴۰۹: ۴۵۷). آقا بزرگ نیز با عنوان «تفسیر البرقی الکبیر» از کتاب وی یاد می‌کند (تهرانی، بی تا، ج ۴: ۲۶۳). روایات تفسیری او در تفاسیر شیعه نقل شده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۸؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۳۷). نجاشی سال وفات برقی را ۲۷۴ می‌داند اما علی بن محمد ماجیلویه نواده و شاگرد برقی نقل می‌کند که سال ۲۸۰ بوده است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۷۷).

عبدالله بن صلت (نیمه دوم قرم سوم)

عبدالله بن صلت کنیه اش ابوطالب قمی و از ثقات است که از محضر امام رضا علیه السلام و حضرت جواد علیه السلام نیز استفاده کرده و در تفسیر هم کتابی نوشته است. (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۱۷؛ تهرانی، بی تا، ج ۴: ۲۴۳؛ خویی، ۱۹۸۹، ج ۱۰: ۲۲۲) و روایات تفسیری نیز از طریق او نقل شده است. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۲۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۰۱؛ ج ۱: ۱۱۴).

مهم‌ترین ویژگی تفاسیر این دوران غالب شدن گرایش روایی و کلامی در تفسیر است.

در دوان امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام پنج مفسر ایرانی وجود دارد:

حسین بن سعید بن حماد اهوازی (زنده در ۲۵۴ ق.)

حسین بن سعید از اصحاب امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام است (برقی، ۱۴۱۹، ج۱: ۵۴؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۳۵۵؛ خضری، ۱۳۸۵: ۳۲۶). او از این امامان، بی‌واسطه حدیث نقل کرده و با واسطه ابن ابی عمیر، علی بن نعمان، حسن بن محبوب و محمد بن سنان، از سایر امامان نیز روایت نقل نموده است (اهوازی، حسین بن سعید، ۱۳۹۹، ج۱: ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۲۹). وی علاوه بر تفسیر، ۳۰ تألیف در علوم اسلامی دارد (خویی، ۱۹۸۹، ج۵: ۲۴۳-۲۴۵؛ ابن ندریم، ۱۳۹۴: ۲۷۷).

علی بن ابراهیم قمی (زنده در ۳۰۷ ق.)

علی بن ابراهیم قمی دارای تفسیر است و تفسیر وی به شیوه روایی است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۶۰). وی از مشایخ کلینی (ره) است و کلینی در کتاب خود «الکافی» از تفسیر قمی روایات زیادی نقل کرده است؛ همچنین در سایر کتب اربعه نیز روایات منقول از تفسیر قمی به چشم می‌خورد. رجالیان، وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۴۸: ۳۹۰). شیخ طوسی از تفسیر وی با عنوان *کتاب التفسیر یاد کرده است* (طوسی، ۱۴۱۷: ۸۹). در این تفسیر گاه معانی مختلف واژه‌ها ذکر شده و از آیات دیگر و اشعار شاعران در تفسیر یک آیه استفاده شده است (قمی، ۱۳۶۳، ج۱: ۴۶، ۱۳۲، ۲۳۱، ۳۰۹، ۳۸۸؛ ج۲: ۸۵-۸۷) در مقدمه این تفسیر مباحث کلی علوم قرآنی آمده است.

محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (م. ۲۹۰ ق.)

شیخ ابو جعفر محمد بن حسن فروخ صفار، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام، ثقه و دارای جایگاهی عظیم است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۷۰). وی مطالب تفسیری فراوانی را از امام حسن عسکری علیه السلام آموخت، سپس به تدریس و تألیف مطالب تفسیری پرداخت. از وی تفسیری به زبان عربی در یک جلد به شیوه روایی نقل شده است. ابو العباس نجاشی تفسیر مذکور را توسط استادش ابو عبد الله بن شاذان قزوینی و ابو حسین علی بن احمد اشعری با سه واسطه روایت می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۰۸). از جمله آثار وی که امروزه در دسترس ماست، کتاب *بصائر الدرجات* است. در تفاسیر نیز روایات زیادی از وی نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج۲: ۸۴۰؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج۱: ۱۸۶؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج۷: ۲۸۵).

سعد بن عبدالله اشعری قمی (م. ۳۰۰ق.)

سعد از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و ثقه است. از وی در کتب اربعه ۱۱۴۲ روایت ذکر شده است و بیش از ۳۶ عنوان کتاب در موضوعات مختلف به وی نسب داده شده است که بسیاری از این روایات و کتاب‌ها تفسیری است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۱۷۷-۱۷۸؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۱۵). در تفاسیر فراوان از وی روایت نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶، ج: ۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج: ۱؛ ۱۸۶؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ۳: ۱۷۷). سعد دارای تألیفاتی از جمله ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۱۷۷؛ بابایی، ۱۳۹۰: ۴۵۲).

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (م. ۳۲۹ق.)

وی از اصحاب امام عسکری علیه السلام و از فقیهان و ثقات شیعه است. و در تفسیر کتابی داشته است (نجاشی، ۱۴۰۸: ۲۶۱). ابن بابویه علاوه بر داشتن مقام علمی، مردی بازرگان و صاحب مکنت بوده و حجره و دفتر داشته است. (طوسی، ۱۴۲۵: ۲۴۷-۲۴۸). فرزندش، معروف به شیخ صدوق از او به عنوان یکی از مشایخ روایات خویش یاد کرده است (صدوق، ۱۳۷۶: ۸۱، ۱۱۵). ابن بابویه فقیهی معتمد، جلیل (حلی، ۱۴۲۲: ۲۴۱)، شیخ و پیشرو قمی‌های روزگار خویش بود (نجاشی، ۱۴۰۸: ۱۸۴).

مهم‌ترین ویژگی تفاسیر ابن دوران، غالب شدن گرایش تفسیر روایی است. در این دوران متأسفانه ورود اسرئیلیات در تفاسیر ایرانیان بیشتر از سایر دوران‌هاست.

عصر غیبت صغرای امام زمان (عج)

در دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹) مفسران ایرانی متعددی وجود دارد که به دو شخصیت از آنان اشاره می‌شود:

سهل بن عبدالله بن یونس شوشتری (۲۸۳ق.)

سهل از سران صوفیه متولد شوشتر و ساکن و متوفای بصره است که دارای تألیفاتی از جمله تفسیر القرآن العظیم است. کتاب تفسیر قرآن العظیم او قدیمی‌ترین تفسیر عرفانی موجود از قرآن است که در میان آثار او فقط این اثر چاپ به چاپ رسیده است. در این کتاب، سهل تستری بعد از بیان یک مقدمه، بابی را می‌گشاید به نام «باب فی صفحات طلاب فهم القرآن» که در آن اهمیت جایگاه قرآن را تشریح می‌کند و به شرح وظایف حاملان قرآن و شرایط تلاوت و حفظ آن می‌پردازد. (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۲۳۷؛ زرکلی، ۱۳۸۹، ج: ۳: ۱۴۳؛ بابایی، ۱۳۹۰: ۴۴۸)

فضل بن شاذان رازی(م. ۲۹۰)

از جمله ایرانیانی که در عصر غیبت صغرا در مباحث قرآنی وارد شده‌اند، فضل بن شاذان است که دارای کتاب تفسیر بوده است. تخصص اصلی وی در علم تفسیر و علوم قرآنی به ویژه دانش قرائات است و با دانش فقه نیز آشنا بوده است (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۲۸۷؛ داوودی، بی تا، ج ۲: ۳۰؛ تهرانی، بی تا، ج ۴: ۳۰۰؛ کحاله، ۲۰۰۸، ج ۸: ۶۹).
در این دوره تفسیر قرآن ایرانیان با روش تأویلی و صوفیانه و نیز توجه به قرائات بوده است.



نتیجه‌گیری

ایرانیان با عشق و علاقه جذب اسلام و آموزه‌های عقلانی قرآن کریم شدند. آنان با بهره‌گیری از محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام آثار گران‌بهایی را در تفسیر و علوم قرآن از خود به یادگار گذاشته‌اند. این آثار از لحاظ کمی و کیفی رو به گسترش نهاد و روز به روز کامل‌تر و جامع‌تر گردید و به مرور از منابع و مستندات غنی‌تری استفاده شد. مستندات تفسیری آنان را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: مستندات متصل، مانند: نکات ادبی، سیاق، ویژگی‌های مخاطب و ویژگی‌های موضوع سخن. مستندات منفصل مانند: آیات دیگر، روایات، آرای صحابه، محاورات عرفی، استناد به اشعار و آرای اهل کتاب.

در زمان حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام اندیشمندان ایرانی متعددی وجود داشتند که می‌توان مطابق دوران معصومان علیهم السلام آنان را نام برد و ویژگی‌های تفسیری آنان را بیان کرد. در عصر حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلمان فارسی که ترجمه و تفسیر مختصر سوره حمد و برخی آیات به او نسبت داده شده است. در عصر امام علی و حسنین علیهم السلام میثم است که دارای کتاب تفسیر بود و آن را از علی علیه السلام آموخته بود. در این دوران بیشتر به نکات ادبی و لغوی پرداخته میشد. در عصر امام سجاد علیه السلام ضحاک، طاووس بن کیسان و عطاء دارای مدرسه تفسیر بودند. از ویژگی‌های این دوران، تفسیر همه قرآن، ورود برخی اسرائیلیات در تفسیر و پرداختن به مسائل کلامی است. در عصر صادقین علیهم السلام افرادی چون داوود بن ابی هند سرخسی و مقاتل بن سلیمان بودند که در تفسیر از سرآمدان روزگار خود به شمار می‌رفتند. اصلی‌ترین شاخصه تفسیر ایرانیان در این دوران، به وجود آمدن روش‌های متنوع تفسیری است. در عصر امام کاظم علیه السلام فراء بن یحیی و هاشم جوالیقی بودند که دارای تفسیر کامل قرآن بوده و از روش اجتهادی در تفسیر استفاده می‌کردند. در عصر امام رضا علیه السلام مفسرانی مانند: یونس بن عبدالرحمن و اخفش حضور داشتند. از ویژگی‌های این دوران، استفاده از روش ادبی و کلامی در تفسیر آیات است. در عصر امام جواد علیه السلام، علی بن مهزیار اهوازی، محمد بن خالد قمی برقی و عبدالله بن صلت از گرایش‌های روایی و کلامی استفاده می‌کردند. در دوران عسکریین علیهم السلام شخصیت‌هایی مانند: حسین بن سعید اهوازی و علی بن ابراهیم قمی وجود دارد. در این دوران گرایش تفسیر روایی بر سایر روش‌ها غلبه دارد. در دوران غیبت صغرا دو شخصیت مهم ایرانی عبارتند از: سهل بن عبدالله بن یونس شوشتری، فضل بن شاذان رازی که به روش تأویل و علم قرائات توجه خاصی داشتند. مهمترین ویژگی تفاسیر این دوران، غالب شدن گرایش تفسیر روایی است.

کتابنامه

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی، (۲۰۱۵)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حبان، محمد، (۱۴۲۸)، *تقریب الثقات*، بیروت: دار المعرفه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، (۱۳۶۴)، *وفیات الاعیان*، قم: منشورات الرضی.
- ابن داوود حلّی، حسن بن علی، (۱۴۲۲)، *الرجال*، تهران: دار الذخائر.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: علامه.
- ابن ندیم، محمد بن اسحق، (۱۳۹۴)، *الفهرست*، تهران: دنیای کتاب.
- ابن هشام، (بی تا)، *السیرة النبویه*، بیروت: دار المعرفه.
- ابو المظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی، (۱۳۷۵)، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸)، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- احمد بن عبدالله عجلّی، (۱۴۰۵)، *معرفة الثقات*، مدینه: چاپ عبدالعظیم بستوی.
- ازهری، ابو منصور محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسماعیل بن عمر بن کثیر، (۱۴۲۴)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (بی تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، نجف: مطبعه الغری.
- بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۵)، *مکاتب تفسیری*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶)، *تفسیر البرهان*، تهران: بنیاد بعثت.
- برقی، احمد بن محمد، (۱۴۱۹)، *رجال البرقی*، تهران: نشر قیوم.
- بغدادی، اسماعیل، (۱۹۹۰)، *هدیه العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲)، *الکشف والبیان*، المعروف بالتفسیر الثعلبی، بیروت: عاشور.
- ثمالی، ابوحزیمه، (۱۴۲۰)، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دار المفید.
- جمعی از مولفان زیر نظر احمد رضا خضری، (۱۳۸۵)، *تاریخ تشیع*، تهران: سمت.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (بی تا)، *کشف الظنون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حجاج نیشابوری، مسلم، (بی تا)، *صحیح مسلم*، قاهره: دار الحدیث.
- حجتی، سید محمد باقر، (۱۳۹۰)، *سه مقاله در تاریخ تفسیر قرآن و نحو*، تهران: بنیاد قرآن.
- حسین عطوان، (۱۴۱۰)، *الدراسات الدینیة بخراسان*، بیروت: دارالجلیل.
- حسینی، ابوبکر بن هدایت الله، (۱۴۰۲)، *طبقات الشافعیه*، بیروت: دار الافاق الجدیده.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.
- خرماشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۷)، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران: انتشارات دوستان.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد*، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خوبی، ابو القاسم، (۱۹۸۹)، *معجم رجال الحدیث*، بیروت: مدینه العلم.
- داوودی، محمد بن علی، (بی تا)، *طبقات المفسرین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، (۱۴۲۲)، *سیر اعلام النبلاء*، بی جا: موسسه الرساله.



- ذهبی، محمد حسین، (بی تا)، *التفسیر و المفسرون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت: دار الکتب العربی.
- الذهبی الشافعی، شمس الدین محمد بن أحمد، (۱۴۱۹)، *تذکره الحفاظ*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار الشامیه.
- رامیار، محمود، (۱۳۴۶ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: نشر اندیشه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۲)، *درسنامه‌ی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- الزرقانی، عبدالعظیم، (۱۹۴۳)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، مصر: دار الاحیاء الکتب العربیة.
- ززکی، خیر الدین، (۱۳۸۹)، *الاعلام*، بیروت: دار الملایین.
- السرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل، (۱۴۰۹)، *المبسوط*، بیروت: دار المعرفة.
- سمعانی، عبد الکریم بن محمد، (۱۳۸۲)، *الانساب*، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة.
- سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۹۸)، *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴)، *تفسیر الدر المنثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۸۶)، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۴)، *قرآن در اسلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دار التراث العربی.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۳۴۸)، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، *امالی*، قم: دار الثقافة.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۷)، *الفهرست*، قم: نشر الفقاهه.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۲۵)، *الغیبة*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
- عاملی، سید محسن امین، (۱۴۲۱)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دار التعارف.
- عبدالرحیم، سید بن عبدالمقصود، (بی تا)، *النکت و العیون*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عسقلانی هیثمی، احمد بن علی، (بی تا)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دار صادر.
- عسقلانی، ابن حجر، (۱۳۷۹)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار المعرفة.
- عسکری، سید مرتضی، (۱۳۹۷)، *نقش ائمه در احیای دین*، قم: بنیاد بعثت.
- عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، (۱۳۸۷)، *طبقات مفسران شیعه*، قم: نوید اسلام.
- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۴)، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- فاتحی نژاد، عنایت‌الله، (۱۳۷۷)، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فؤاد سزگین، (۱۳۷۲)، *تاریخ التراث العربی*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب.
- کحاله، عمر رضا، (۲۰۰۸)، *معجم المؤلفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹)، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۳۱) *الکافی*، تحقیق محمد جواد فقیه، بیروت: دار الاضواء.
- کوفی، فرات ابن ابراهیم، (۱۴۱۰)، *تفسیر فرات کوفی*، محقق: کاظم، محمد، تهران: وزارت ارشاد.
- محمد بن احمد الذهبی، (۲۰۰۹)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت: دار المعرفه.
- محمد بن محمد الجزی دمشقی (۱۴۲۷)، *غایة النهایة فی طبقات القراء*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مزی، یوسف، (۱۹۹۲)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بیروت: موسسه الرساله.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۸)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیة.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۲)، *تاریخ قرآن*، تهران: سازمان سمت.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۶)، *صیانة القرآن من التحریف*، قم: التمهید.
- مفید، محمّد بن محمد بن نعمان عکبری، (۱۴۱۳)، *الارشاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مقربزی، احمد بن علی، (۱۴۲۰)، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- میبیدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، *تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران: حکمت.
- میرزا محمد مشهدی قمی، (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق*، تهران: وزارت ارشاد.
- نجاشی، (۱۴۰۸)، *الرجال*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

